

خواهر و برادران عزیزم،

عید پنجاهه یا پنطیکاست

جشن روح القدس هست .

باد شدید و مانند آتشی با قدرت عظیم -

این‌گونه روح خدا در روز پنطیکاست توصیف می‌شود.

روح الوهیم - روح خدا.

در کتاب مقدس عبری، کلمه "روح" که به جنس مؤنث است، چندین معنا دارد:

باد، روح، نفس حیات؛ نیرویی که در شخصیت‌های داوران و نجات‌بخش دمیده می‌شود و آن‌ها را به رهبران کاریزماتیک تبدیل می‌کند.

در کتاب حزقیال، فصل ۳۷ (آیه ۱-۱۴) اینطور می‌خوانیم :

«دست خداوند بر من فرود آمده، مرا در روح خداوند بیرون برد و در وسط یک وادی گذاشت که پر از استخوان بود. و مرا به هر سو در میان استخوانها گردانید و اینک شمار آنها بر زمین وادی بی‌نهایت زیاد بود و بسیار خشک بودند. مرا گفت: «ای پسر انسان، آیا ممکن است این استخوانها زنده شوند؟» پاسخ دادم: «ای خداوندگار یهوه، تو خود می‌دانی!» آنگاه مرا گفت: «بر این استخوانها نبوت کرده، به ایشان بگو: ای استخوانهای خشک، کلام خداوند را بشنوید. خداوندگار یهوه به این استخوانها چنین می‌گوید: اینک من روح به شما در خواهم آورد و زنده خواهید شد. و رگ و پی بر شما نهاده، گوشت بر شما خواهم آورد و شما را به پوست خواهم پوشانید؛ و روح در شما خواهم نهاد و زنده خواهید شد. آنگاه خواهید دانست که من یهوه هستم.» پس من به گونه‌ای که فرمان یافته، نبوت کردم و چون نبوت می‌کردم، صدایی شنیده شد و بنگاه جنب و جوشی واقع گردید و استخوانها به یکدیگر پیوستند، استخوانی به استخوان خود. و چون نگریستم، اینک رگ و پی بر آنها بود و گوشت بر آنها برآمده بود و پوست رویشان را پوشانیده بود، اما روحی در آنها نبود. پس مرا گفت: «ای پسر انسان، بر روح نبوت کن! نبوت کرده، روح را بگو، خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: ای روح، از بادهای چهارگانه بیا و بر این گشتگان پدم تا زنده شوند.» پس چنانکه مرا امر فرموده بود، نبوت کردم. و روح به آنها درآمده، زنده شدند، و بر پای خود ایستاده، لشکری بی‌نهایت عظیم گردیدند. آنگاه مرا گفت: «ای پسر انسان، این استخوانها، تمامی خاندان اسرائیلند. اینک ایشان می‌گویند: "استخوانهای ما خشکیده و امیدمان از دست رفته، و منقطع شده‌ایم!" بنابراین نبوت کرده، بدیشان بگو، خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: ای قوم من! اینک من قبرهای شما را گشوده، شما را بیرون خواهم آورد، و شما را به سرزمین اسرائیل در خواهم آورد. و ای قوم من، چون قبرهایتان را بگشایم و شما را از آنها به در آورم، آنگاه خواهید دانست که من یهوه هستم. من روح خود را در شما خواهم نهاد تا زنده شوید و شما را در سرزمین خودتان قرار خواهم داد. آنگاه خواهید دانست که من یهوه سخن‌گفتم و آن را به عمل آوردم؛ این است فرموده خداوند.»

حزقیال 1: 14-37

از طریق روح تو اکنون اینجا می‌باشی.

شنیدن و گفتن ما را برکت ده و در ما عمل کن،

تا میوه‌ای رشد کند که تو را جلال دهد.

آمین.

«و روح خدا در حال حرکت بر روی آنها بود» -

این‌گونه همه چیز در آغاز کتاب مقدس شروع می‌شود.

هنوز چیزی نبود و زمین خالی و تهی بود.

حتی نور هم هنوز آفریده نشده بود!

پس چگونه می‌توانم روح خدا را

در حال حرکت بر روی آنها تصور کنم؟

مانند ابری، نوری پخش شده یا وزش ملایم باد ؟

من به هیچیک از اینها باور ندارم،

یا شاید به همه این‌ها با هم؟
حتی کلمه "روح" از هر توصیفی فراتر است -
این کلمه به طرز متفاوتی ساخته شده است نسبت به اکثر کلمات عبری. علاوه بر این، یک اروپایی به سختی می‌تواند آن را به درستی تلفظ کند.

در متنی که خوانده شد، "روح" کلمه مرکزی است.
در هیچ جای دیگری از کتاب مقدس عبری این کلمه به این اندازه و در این معانی مختلف به کار نرفته است.

روح خدا پیامبر را به دشتی پر از استخوان‌های خشک و پژمرده می‌برد.
این استخوان‌ها چه هستند؟
مقتولان؟

استخوان‌های مردگانی که به طور خشونت‌آمیزی به قتل رسیده‌اند؟

دورانی که حزقیال به عنوان نبی فعالیت می‌کرد،
واقعاً به مقتولان اشاره دارد:

ویرانی اورشلیم تحت پادشاه بابل، نبوکدنصر و تبعید اشراف به بابل.
اما هیچ‌جا گزارش نشده است که اسراییلی‌ها به طور انبوهی کشته شده باشند.
برعکس، به تبعیدشدگان در بابل نسبتاً خوب گذشت.
آن‌ها از لحاظ اجتماعی و مذهبی تا حد زیادی خودمختار بودند و می‌توانستند تجارت هم کنند.

کشتگان انبوه.

اینجا یک فکر وحشتناک به ذهنم می‌رسد،
که با دوران حزقیال ارتباطی ندارد.
یا شاید هم دارد؟

در مقابل پارلمان در اورشلیم یک منورا بزرگ (شمعدان هفت شاخه یهودیان) قرار دارد.
پیکرتراش بنو الکان میله مرکزی
و شاخه‌های جانبی این شمعدان هفت شاخه را
با ۲۹ تصویر تزیین کرده است که مراحل
تاریخ اسرائیل و یهودیت را نشان می‌دهد.
صحنه حزقیال جایگاه مرکزی را دارد.



و همچنین احیای استخوان‌های مرده توسط حزقیال بر روی تصویر قیام در گتو (محله یهودی نشین) ورشو، مقاومت ناکام در برابر وحشت نازی، قرار دارد.

به همین ترتیب، schon (هولوکاست) نابودی خوشنآمیز

۶ میلیون یهودی اروپایی،
و احیای استخوان‌های خشک و پژمرده
به زندگی جدید، به یکدیگر پیوند می‌خورند!

اما آیا تصویر وحشتناک نبی به عنوان یک تشبیه قابل درک نیست؟
خدا می‌گوید:

این استخوان‌ها نمایانگر اسرائیلیان هستند.
آن‌ها می‌گویند: «استخوان‌های ما خشکیده است.
امید ما از بین رفته،
ما دیگر آینده‌ای نداریم!»

ناامیدی عمیق اسرائیلیان تبعیدی به دلیل از دست دادن وطن و مرکز سیاسی، فکری و مذهبی اورشلیم در اینجا محسوس است.

**اما خدا وعده می‌دهد:
من روح خود را در شما قرار می‌دهم و شما دوباره زنده خواهید شد.**

خدا روح خود را می‌دهد!
از عهد قدیم امروز این را شنیدیم:
انسان‌هایی که از ترس و مانند فلج
پشت درهای بسته نشسته‌اند،
از روح خدا همچون باد طوفانی دربرگرفته می‌شوند.
آتش شور و شوق آن‌ها را فرا می‌گیرد.

در خیابان، در میان یهودیان که از تمامی نقاط امپراتوری روم،
که به مناسبت جشن بزرگ Schawuot (جشن برداشت محصول)
در اورشلیم گرد آمده‌اند، آن‌ها شروع به متعظه می‌کنند.
از اعمال بزرگ خدا سخن می‌گویند،
به گونه‌ای که همه بتوانند آن‌ها را درک کنند.
کلام خدا، تورات، که در تور سینا از طریق موسی به اسرائیل داده شد، به تمامی اقوام می‌رسد!

خدا روح خود را می‌دهد و زنده می‌سازد!
امروز هم!

گاهی اوقات همه چیز برای من خیلی سخت به نظر می‌رسد.
بنیان «کلیسا» بسیار سنگین و از مد افتاده.
بسیاری به سنت‌های قدیمی، سرودها و زبانی که مردم امروزی دیگر آن را درک نمی‌کنند، وابسته‌اند.
ساختارهای قدیمی مانند وزنه‌های سربی بر گردن جماعتها آویخته‌اند.
هیچ چیز به اندازه کافی وجود ندارد: پول کافی نیست، کارکنان کافی نیست، افراد متعهد کافی نیستند...

دنیا به نظر می‌رسد که به کلی از تعادل خارج شده است:
جنگهای وحشتناک در اوکراین و نوار غزه، ناآرامی‌ها در بسیاری از نقاط جهان،
تغییرات اقلیمی ناشی از انسان
و بی‌عملی سیاستمداران،
نیازهای مردمی که از بلایا به شدت آسیب دیده‌اند...

اخبار جعلی و نفرت‌پراکنی در رسانه‌های اجتماعی،
ثروت غیرقابل تصور عدای معدود
در حالی که بخش‌های بزرگی از بشریت در حال فقیرتر شدن هستند، رادیکالیزه شدن و تهدید به دموکراسی...
چه کسی در این شرایط به کلیساها گوش می‌دهد؟

«استخوان‌های ما خشکیده است.

امید ما از بین رفته،
ما دیگر آینده‌ای نداریم!
ممکن است دنیا کلیساها را این‌گونه ببیند:
خشکیده، بی‌امید، بی‌آینده.
شاید من واقعاً افسرده و بی‌روحیه باشم.

اما وعده خدا که او در روز پنطیکاست به طرز چشم‌گیری آشکار و شنیدنی عمل کرده است،
امروز و هر روز جدید نیز معتبر است:
من روح خود را در شما قرار می‌دهم و شما دوباره زنده خواهید شد.

وظیفه کلیساها چه می‌تواند باشد
با توجه به بسیاری از نگرانی‌هایی که مردم را به خود مشغول کرده است؟
رئیس وقت شورای کلیسای انجیلی در آلمان، آنتیه کورشوس،
به مناسبت روز کلیسای انجیلی آلمان ۲۰۲۳ گفت:
«ما باید پنجره‌ای به سوی آسمان باز نگه داریم.»

پنجره‌ای به سوی آسمان باز نگه داریم!
این ربطی به سنت‌های غبار رومی کلیسا ندارد.
در اینجا باد تازهای وزیدن می‌گیرد.
اینجا نور وارد می‌شود، حتی به تاریکترین گوشه‌ها.
اینجا روح خدا می‌وزد که همه چیز را نو می‌کند.

کافی است!
من دیگر نباید افسرده و بی‌روحیه در گوشه‌ای بنشینم.
روح خدا مردگان را زنده می‌کند!
حتی کلیساهایی که مرده محسوب می‌شوند نیز دوباره زنده خواهند شد،
اگر فقط پنجره‌ای به سوی آسمان باز کنیم.

جمله‌ای از والتر بنیامین دعوت به تأمل می‌کند:
«تنها به خاطر بی‌میدان است
که امید به ما داده شده است.»

----سکوت----

آمین.